

۱۴۱۵ق؛ **الجمال**: ضامن بن شدقم (م. ۱۰۸۲ق.)، به کوشش آل شبیب، المحقق، ۱۴۲۰ق؛ **السيرة النبوية**: ابن هشام (م. ۲۱۳/۲۱۸ق.)، به کوشش محمد محیی الدین، مصر، مكتبة محمد علی صبیح، ۱۳۸۳ق؛ **شرح نهج البلاغة**: ابن ابی الحدید (م. ۶۵۶ق.)، به کوشش محمد ابوالفضل، بیروت، دار احیاء الکتب العربیة، ۱۳۷۸ق؛ **صحیح البخاری**: البخاری (م. ۲۵۶ق.)، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۱ق؛ **صحیح مسلم**: مسلم (م. ۲۶۱ق.)، بیروت، دار الفکر؛ **الطبقات الکبری**: ابن سعد (م. ۲۳۰ق.)، بیروت، دار صادر؛ **طبقات المحدثین باصبهان**: ابن حبان (م. ۳۶۹ق.)، به کوشش عبدالغفور، بیروت، الرسالة، ۱۴۱۲ق؛ **العثمانية**: الجاحظ (م. ۲۵۵ق.)، به کوشش عبدالسلام، مصر، دار الکتب العربی، ۱۳۷۴ق؛ **عمدة القاری**: العینی (م. ۸۵۵ق.)، بیروت، دار احیاء التراث العربی؛ **الفتوح**: احمد بن اعثم (م. ۳۱۴ق.)، به کوشش علی شیری، بیروت، دار الاضواء، ۱۴۱۱ق؛ **کشف الاسرار**: میبدي (م. ۵۲۰ق.)، به کوشش حکمت، تهران، امیر کبیر، ۱۳۷۱ش؛ **کشف المراد**: العلامة الحلی (م. ۷۲۶ق.)، به کوشش موسوی زنجانی، قم، شکوری، ۱۳۷۳ش؛ **المبسوط فی فقه الامامیه**: الطوسی (م. ۴۶۰ق.)، به کوشش بهبودی، تهران، المكتبة المرتضوية، ۱۳۸۷ق؛ **مجمع البیان**: الطبرسی (م. ۵۴۸ق.)، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش؛ **مروج الذهب**: مسعودی (م. ۳۴۶ق.)، به کوشش اسعد داغر، قم، دار الهجرة، ۱۴۰۹ق؛ **مسند ابن راهویه**: اسحاق بن راهویه (م. ۲۳۸ق.)، به کوشش عبدالغفور، المدینة، مكتبة الایمان، ۱۴۱۲ق؛ **مسند احمد**: احمد بن حنبل (م. ۲۴۱ق.)، بیروت، دار صادر؛ **المصنف**: ابن ابی شیبہ (م. ۲۳۵ق.)، به کوشش سعید اللحام، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۹ق؛

المصنف: عبدالرزاق الصنعانی (م. ۲۱۱ق.)، به کوشش حبیب الرحمن، المجلس العلمی؛ **المعارف**: ابن قتیبه (م. ۲۷۶ق.)، به کوشش ثروت عکاشه، قاهره، دار المعارف؛ **معجم البلدان**: یاقوت الحموی (م. ۶۲۶ق.)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۹۹ق؛ **المعجم الکبیر**: الطبرانی (م. ۳۶۰ق.)، به کوشش حمدي عبدالحمید، دار احیاء التراث العربی؛ **المعرفة و التاريخ**: الفسوی (م. ۲۷۷ق.)، به کوشش اکرم الامری، بیروت، الرسالة، ۱۴۰۱ق؛ **المغازی**: الواقدي (م. ۲۰۷ق.)، به کوشش مارسدن جونس، بیروت، اعلمی، ۱۴۰۹ق.

حامد قرائتی



اسماء بنت عَمِيس: از زنان صحابی، همسر جعفر بن ابی طالب، از مهاجران به حبشه و مدینه

اسماء دختر عمیس بن معد بن تیم خُثَعمی^۱ بود که با جعفر بن ابی طالب ازدواج کرد.^۲ آن دو از نخستین کسانی بودند که پیش از ورود پیامبر ﷺ به خانه ارقم، اسلام آوردند^۳ و به فرمان رسول خدا، در هجرت دوم به سال پنجم بعثت، رهسپار حبشه شدند.^۴ از این رو،

۱. الطبقات، ج ۳، ص ۱۲۶؛ تاریخ طبری، ج ۳، ص ۴۲۶.
۲. السيرة النبوية، ج ۱، ص ۲۵۷؛ اسد الغابة، ج ۶، ص ۲۵۳.
۳. الطبقات، ج ۸، ص ۲۱۹؛ سير اعلام النبلاء، ج ۲، ص ۲۸۳.
۴. السيرة النبوية، ج ۱، ص ۳۲۳؛ الطبقات، ج ۴، ص ۲۵؛ كشف الغممة، ج ۱، ص ۲۸۳.

مدینه، نزدیک تر و سزاوارتر به پیامبر می دانست، خشمگینانه گفت: راست می گویی. شما با رسول خدا بودید. گرسنگان شما را غذا می داد و نادانان شما را موعظه می کرد. ولی ما در سرزمین حبشه، بیگانه و در آماج خشم و آزار و هراس بودیم. سپس سخن عمر را با رسول خدا در میان گذاشت. پیامبر ﷺ با رد سخن عمر، مهاجران به مدینه را دارای یک هجرت و اسماء و دیگر مهاجران به حبشه را «زوهجرتین» دانست.^۷ نخستین کودک مسلمان که در حبشه زاده شد، عبدالله بن جعفر، زاده اسماء بود.^۸ دو فرزند دیگرش، محمد و عون، نیز در حبشه زاده شدند.^۹ هم هنگام با تولد عبدالله بن جعفر، نجاشی نیز دارای پسر شد که او را با تأسی به جعفر، عبدالله نامید و اسماء او را شیر داد. از همین رو، آن دو در بزرگسالی با هم ارتباط داشتند.^{۱۰}

به باور برخی مفسران، آیه ۳۵ احزاب/۳۳: ﴿إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ﴾ که تساوی زنان با مردان را در

برخی او را حبشیه می خواندند.^۱ جزئیات زندگی وی و دیگر مسلمانان در حبشه، چندان روشن نیست. سخنان او بیانگر دشواری هایی است که مهاجران در حبشه با آن روبه رو بوده اند. وی در پاسخ به خلیفه دوم که او را از مهاجران به مدینه شمرده بود، به این سختی ها اشاره نمود.^۲

اسماء در حبشه، سه پسر به نام عبدالله، عون و محمد برای جعفر به دنیا آورد.^۳ به سال هفتم ق. در پی فرمان پیامبر ﷺ همچون دیگر مسلمانان، از حبشه به مدینه مهاجرت کرد و هم زمان با فتح خیبر به مدینه رسید.^۴ برخی از حضور وی در مراسم ازدواج علی و فاطمه علیها السلام به سال دوم ق. گزارش داده و آورده اند که او به وصیت خدیجه علیها السلام یک هفته نزد دختر رسول خدا ماند.^۵ گویا تشابه اسمی وی با اسماء دختر یزید بن سکن انصاری، برخی سیره نویسان را به این اشتباه دچار کرده است.^۶ او در مدینه با شنیدن سخن عمر که خود را به دلیل پیشینه هجرت به

۱. الطبقات، ج ۸، ص ۲۱۹؛ دلائل النبوه، ج ۴، ص ۲۴۵؛ البداية و النهایه، ج ۴، ص ۲۰۵.

۲. الطبقات، ج ۸، ص ۲۱۹؛ صحیح مسلم، ج ۷، ص ۱۷۲.

۳. اسد الغابه، ج ۶، ص ۱۴؛ الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۷۸۴.

۴. الطبقات، ج ۴، ص ۲۵؛ صحیح مسلم، ج ۷، ص ۱۷۲؛ تاریخ طبری، ج ۱۱، ص ۴۹۴.

۵. المناقب، ج ۳، ص ۱۳۱؛ کشف الغمه، ج ۱، ص ۳۷۵.

۶. کشف الغمه، ج ۱، ص ۳۸۳؛ الصحیح من سیرة النبی، ج ۵، ص ۲۶۳.

۷. الطبقات، ج ۸، ص ۲۱۹؛ اسد الغابه، ج ۶، ص ۱۵؛ الاصابه، ج ۸، ص ۱۶.

۸. الاستیعاب، ج ۳، ص ۸۸۰؛ اسد الغابه، ج ۳، ص ۹۴.

۹. الطبقات، ج ۴، ص ۲۵؛ الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۷، ۸۵؛ اسد الغابه،

ج ۴، ص ۳۰۹؛ ج ۶، ص ۱۴.

۱۰. الروض الافق، ج ۶، ص ۵۸۷.

صفات والا نشان می‌دهد، در پاسخ به اسماء بوده است. او که سال‌ها دور از وطن زیسته بود، هنگام دیدار همسران پیامبر، از نزول آیه‌ای مخصوص زنان پرسید. با شنیدن پاسخ منفی آنان، نزد رسول خدا ﷺ رفت و از این که در قرآن به زنان همانند مردان توجه نشده است، شکوه کرد و آنان را زیانکار شمرد. خداوند در پاسخ او آیه ۳۵ احزاب/۳۳ را نازل کرد.^۱ این آیه در بیان ویژگی‌های مؤمنان و اساسی‌ترین مسائل اعتقادی، اخلاقی و علمی، زن و مرد را در کرامت دینی کنار یکدیگر می‌نشاند و برای هر دو پاداش یکسان می‌شمرد.^۲

در پی شهادت جعفر بن ابی‌طالب در سرّیه مویه به سال هشتم ق. پیامبر ﷺ از اسماء دلجویی کرد. ایشان به خانواده خود^۳ و حضرت زهرا (ع) فرمان داد که برای اسماء و فرزندان‌شان تا سه روز غذا فراهم کنند.^۴ بر پایه گزارشی، پیامبر گرامی ﷺ اسماء را در نبرد حنین به سال هشتم ق. به ازدواج ابوبکر درآورد.^۵ او به سال نهم ق. همراه صفیه دختر

عبدالمطلب، عهده‌دار غسل اُم کلثوم^۶، دختر رسول خدا و همسر عثمان بن عفان، شد. اسماء در حجة الوداع به سال دهم ق. حضور داشت و در ذوالحلیفه، میقات مردم مدینه، محمد بن ابی‌بکر را به دنیا آورد^۷ و به فرمان پیامبر ﷺ با همان حال نفاس، احرام حج بست و پس از ۱۸ روز با آن که هنوز از خون پاک نشده بود، به امر پیامبر، طواف و نماز آن را به جا آورد.^۸ فقیهان شیعه^۹ و اهل سنت^{۱۰} به این عمل در احکام خود استناد کرده‌اند.

اسماء پیوندی بسیار نزدیکی با خانواده پیامبر داشت تا آن‌جا که فاطمه (ع) او را مادر می‌خواند.^{۱۱} او از اندک زمانی بود که پس از رحلت پیامبر و هنگام بیماری حضرت زهرا (ع) که به رحلت وی انجامید، همنشین او بود و چون نگرانی ایشان را از نمایان شدن حجم بدنش هنگام تشیع دریافت^{۱۲}، وی را از تابوتی

۶. الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۹۵۳؛ البداية و النهایه، ج ۵، ص ۳۹.
۷. الطبقات، ج ۸، ص ۲۲۲؛ السنن الکبری، ج ۵، ص ۱۶۴؛ الاصابه، ج ۶، ص ۱۹۴.

۸. الکافی، ج ۴، ص ۴۴۴، ۴۴۹؛ التهذیب، ج ۱، ص ۱۷۹؛ ج ۵، ص ۳۹۹؛ الام، ج ۲، ص ۱۵۸.

۹. جواهر الکلام، ج ۳، ص ۳۵۵؛ کتاب الطهاره، ج ۴، ص ۹۳؛ مصباح الفقیه، ج ۴، ص ۳۷۶.

۱۰. الام، ج ۲، ص ۱۵۸؛ الموطأ، ج ۱، ص ۳۲۲؛ المحلی، ج ۷، ص ۱۷۹.

۱۱. بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۲۵۶.

۱۲. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۱۵؛ انساب الاشراف، ج ۲، ص ۳۳؛ کشف الغمه، ج ۲، ص ۱۲۶.

۱. جامع البیان، ج ۲۲، ص ۱۳؛ مجمع البیان، ج ۸، ص ۵۶۰؛ روض الجنان، ج ۱۵، ص ۴۲۲.

۲. المیزان، ج ۱۶، ص ۳۱۳؛ نمونه، ج ۱۷، ص ۳۱۳.

۳. السیره النبویه، ج ۲، ص ۳۸۲؛ الطبقات، ج ۸، ص ۳۲۰؛ انساب الاشراف، ج ۲، ص ۳۹۶.

۴. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۶۶.

۵. الاصابه، ج ۸، ص ۱۵.

او روایت کرده‌اند.^۹ امام باقر (ع) او را از بهشتیان شمرده است.^{۱۰}

در روزگار خلیفه دوم که بیت المال بر پایه درجات میان مسلمانان قسمت می‌شد و به زنان مهاجر و شماری دیگر به اندازه فضل و برتری آنان از ۱۰۰۰ تا ۲۰۰۰ درهم می‌پرداختند، اسماء بیشترین دریافتی را داشت.^{۱۱} در گزارش‌های سهم وی ۱۰۰۰ درهم یاد شده است.^{۱۲} این از فضل و ارجمندی او در نگاه حکومت حکایت دارد.

حدیث‌هایی که از وی در منزلت علی (ع) رسیده، نشانگر عشق و دلبستگی فراوان او به خاندان رسول خدا است.^{۱۳} حدیث ردّ شمس، با همه مباحث مربوط به آن که در شأن علی (ع) است، از طریق وی به تفصیل گزارش شده است.^{۱۴} تاریخ درگذشت او را به اختلاف گزارش کرده‌اند. برخی آن را سال ۳۸ ق. حدود دو سال پیش از شهادت علی (ع) و شماری دیگر سال ۶۰ ق. دانسته‌اند.^{۱۵}

بعضی از فرزندان او همچون محمد بن ابی‌بکر از چهره‌های اثرگذار بودند. وی از

که در حبشه دیده بود، خبر داد. وی به سفارش حضرت زهرا (ع) تابوتی مانند کجاوه ساخت که جنازه در آن پیدا نبود و همین مایه خوشحالی وی شد. این نخستین تابوت بدین گونه در دوره اسلامی بود.^۱ وی پس از رحلت حضرت زهرا (ع) همراه امام علی (ع) در غسل او حضور داشت.^۲

اسماء به وصیت ابوبکر، پس از مرگ وی عهده‌دار غسل او شد.^۳ وی به سال سیزدهم ق. به همسری علی (ع) درآمد. حاصل این ازدواج، دو فرزند به نام یحیی و عون بود.^۴ برخی منابع از محمد اصغر^۵ یا عثمان اصغر^۶ به جای عون نام برده‌اند. بعضی نیز تنها از یحیی یاد کرده‌اند.^۷

اسماء از راویان حدیث پیامبر اکرم به شمار می‌رود^۸ و کسانی چون عمر بن خطاب، عبدالله بن عباس، عبدالله بن جعفر، قاسم بن محمد، عبدالله بن شداد، عروة بن زبیر، و ابن مسیب از

۱. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۱۵؛ تاریخ طبری، ج ۱۱، ص ۵۹۸؛ الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۸۹۷.

۲. الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۸۹۸؛ تاریخ طبری، ج ۳، ص ۲۴۰؛ الاصابه، ج ۸، ص ۲۶۶.

۳. انساب الاشراف، ج ۱۰، ص ۹۱؛ الطبقات، ج ۳، ص ۱۵۲؛ الاصابه، ج ۸، ص ۱۶.

۴. الطبقات، ج ۸، ص ۲۲۲؛ انساب الاشراف، ج ۱، ص ۴۴۷.

۵. المناقب، ج ۳، ص ۸۹.

۶. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۲۱۳.

۷. اسد الغابه، ج ۶، ص ۱۵؛ الاستیعاب، ج ۴، ص ۱۹۱۵.

۸. المغازی، ج ۲، ص ۷۶۶؛ رجال طوسی، ص ۵۳.

۹. اسد الغابه، ج ۶، ص ۱۵؛ الاصابه، ج ۸، ص ۱۵.

۱۰. بحار الانوار، ج ۲۲، ص ۱۹۵.

۱۱. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۵۳؛ الطبقات، ج ۳، ص ۲۳۱.

۱۲. الطبقات، ج ۸، ص ۲۲۲؛ فتوح البلدان، ص ۴۳۴.

۱۳. المناقب، ج ۳، ص ۲۷۴.

۱۴. البداية و النهایه، ج ۶، ص ۷۷؛ امتاع الاسماع، ج ۵، ص ۲۶.

۱۵. البداية و النهایه، ج ۷، ص ۳۱۸؛ الوافی بالوفیات، ج ۹، ص ۳۴.

ياران و کارگزاران امام علی (ع) و حکمران مصر بود که در پی حمله سپاه معاویه به مصر به فرماندهی عمرو بن عاص، به سال ۳۸ ق. به گونه‌ای فجیع به شهادت رسید.^۱

◀ منابع

الاستیعاب: ابن عبدالبر (م. ۴۶۳ ق.)، به کوشش البجاوی، بیروت، دار الجیل، ۱۴۱۲ ق؛ اسد الغابه: ابن اثیر علی بن محمد الجزری (م. ۶۳۰ ق.)، بیروت، دار الکتب العربی؛ الاصابه: ابن حجر العسقلانی (م. ۸۵۲ ق.)، به کوشش علی محمد و دیگران، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ ق؛ الام: الشافعی (م. ۲۰۴ ق.)، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۳ ق؛ امتاع الاسماع: المقریزی (م. ۸۴۵ ق.)، به کوشش محمد عبدالحمید، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۰ ق؛ انساب الاشراف: البلاذری (م. ۲۷۹ ق.)، به کوشش زکار و زرکلی، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۷ ق؛ بحار الانوار: المجلسی (م. ۱۱۰ ق.)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق؛ البدايه و النهايه: ابن کثیر (م. ۷۷۴ ق.)، بیروت، مکتبه المعارف؛ تاریخ طبری (تاریخ الامم و الملوك): الطبری (م. ۳۱۰ ق.)، به کوشش محمد ابوالفضل، بیروت، دار احیاء التراث العربی؛ تاریخ یعقوبی: احمد بن یعقوب (م. ۲۹۲ ق.)، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۵ ق؛ تهذیب الاحکام: الطوسی (م. ۴۶۰ ق.)، به کوشش موسوی و آخوندی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ ش؛ جامع البیان: الطبری (م. ۳۱۰ ق.)، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۱۲ ق؛ جواهر الکلام: النجفی (م. ۱۲۶۶ ق.)،

۱. انساب الاشراف، ج ۳، ص ۱۷۱؛ الاستیعاب، ج ۳، ص ۱۳۶۶؛ اسد الغابه، ج ۴، ص ۳۲۶.

به کوشش قوچانی و دیگران، بیروت، دار احیاء التراث العربی؛ دلائل النبوه: البیهقی (م. ۴۵۸ ق.)، به کوشش عبدالمعطی، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۰۵ ق؛ رجال الطوسی: الطوسی (م. ۴۶۰ ق.)، به کوشش القیومی، قم، نشر اسلامی، ۱۴۱۵ ق؛ الروض الانف: السهلی (م. ۵۸۱ ق.)، به کوشش عبدالرحمن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۲ ق؛ روض الجنان: ابوالفتوح رازی (م. ۵۵۴ ق.)، به کوشش یاحقی و ناصح، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۵ ش؛ السنن الکبری (سنن النسائی): النسائی (م. ۳۰۳ ق.)، به کوشش عبدالغفار، سید کسروی، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۱ ق؛ سیر اعلام النبلاء: الذهبی (م. ۷۴۸ ق.)، به کوشش گروهی از محققان، بیروت، الرساله، ۱۴۱۳ ق؛ السیره النبویه: ابن هشام (م. ۲۱۸/۲۱۳ ق.)، به کوشش السقاء و دیگران، بیروت، المکتبه العلمیه؛ صحیح مسلم: مسلم (م. ۲۶۱ ق.)، بیروت، دار الفکر؛ الصحیح من سیره النبی (ص): جعفر مرتضی العاملی، بیروت، دار السیره، ۱۴۱۴ ق؛ الطبقات الکبری: ابن سعد (م. ۲۳۰ ق.)، به کوشش محمد عبدالقادر، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۸ ق؛ فتوح البلدان: البلاذری (م. ۲۷۹ ق.)، بیروت، دار الهلال، ۱۹۸۸ م؛ الکافی: کلینی (م. ۳۲۹ ق.)، به کوشش غفاری، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۵ ش؛ کتاب الطهاره: الانصاری (م. ۱۲۸۱ ق.)، گروهی از محققان، قم، المؤتمر العالمی لمیلاد الشیخ الانصاری، ۱۴۱۵ ق؛ کشف الغمه: علی بن عیسی الاربلی (م. ۶۹۳ ق.)، بیروت، دار الاضواء، ۱۴۰۵ ق؛ مجمع البیان: الطبرسی (م. ۵۴۸ ق.)، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۰۶ ق؛ المحلی بالانصار: ابن حزم الاندلسی (م. ۴۵۶ ق.)، به کوشش احمد شاکر، بیروت، دار الفکر؛ مصباح الفقیه: رضا الهمدانی

می خواندند.^۵ برخی نیز او را از قبیله غفار دانسته اند.^۶ قبیله او نزدیک محلی به نام «الشَّریه» در حوالی رَیْذه از توابع نَجْد سکونت داشت.^۸

نعمان به سال نهم ق. همراه گروهی از قبیله اش به مدینه آمد و به اسلام گروید و سپس از پیامبر ﷺ خواست تا با دخترش ازدواج کند.^۹ اَسْماء در آن هنگام بیوه بر جای مانده از پسر عمویش بود^{۱۰} و به زیبایی شهرت داشت.^{۱۱} پیامبر ﷺ این پیشنهاد را پذیرفت و ۵۰۰ درهم مهریه برایش قرار داد و ابواسید ساعدی را برای آوردن وی به مدینه، همراه نعمان فرستاد.^{۱۲} ابواسید پس از سه روز اقامت در نَجْد و آموزش برخی از احکام و آداب اسلامی به اَسْماء، در ربیع الاول همان سال او را با شتر و در محملی پوشیده به مدینه آورد^{۱۳} و در محل سکونت خود، محله بنی ساعده، در یک خانه باغ (حائط)^{۱۴} به نام شوط منزل داد.^{۱۵}

۵. تاج العروس، ج ۷، ص ۴۷۵، «مرر».

۶. المستدرک، ج ۴، ص ۳۴.

۷. مراد الاطلاع، ج ۲، ص ۷۸۹.

۸. انساب الاشراف، ج ۱، ص ۴۵۷.

۹. الطبقات، ج ۸، ص ۱۴۵.

۱۰. الطبقات، ج ۸، ص ۱۴۵.

۱۱. المستدرک، ج ۴، ص ۳۶.

۱۲. الطبقات، ج ۸، ص ۱۴۴.

۱۳. الطبقات، ج ۸، ص ۱۴۳-۱۴۴.

۱۴. عمدة القاری، ج ۲۰، ص ۲۳۱.

۱۵. مسند احمد، ج ۵، ص ۳۳۹.

(م. ۳۲۲ ق.)، قم، المؤسسة الجعفریه، ۱۴۱۷ ق؛ المغازی: الواقدی (م. ۲۰۷ ق.)، به کوشش مارسدن جونس، بیروت، اعلمی، ۱۴۰۹ ق؛ مناقب آل ابی طالب: ابن شهر آشوب (م. ۵۸۸ ق.)، به کوشش گروهی از استادان، نجف، المكتبة الحیدریه، ۱۳۷۶ ق؛ الموطأ: مالک بن انس (م. ۱۷۹ ق.)، به کوشش محمد فؤاد، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۶ ق؛ المیزان: الطباطبائی (م. ۱۴۰۲ ق.)، بیروت، اعلمی، ۱۳۹۳ ق؛ نمونه: مکارم شیرازی و دیگران، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۷۵ ش؛ الوافی بالوفیات: الصفدی (م. ۷۶۴ ق.)، به کوشش الارنؤوط و ترکی مصطفی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ ق.

سید علی رضا واسعی



اسماء بنت نعمان: همسر طلاق داده

شده پیامبر ﷺ

اَسْماء که از او با نام اَمیمه^۱ یا امامه^۲ نیز یاد می شود، دختر نُعمان بن ابی الجون کُندی است^۳ که نسب او به حارث بن عمرو مشهور به «آکیل المُرار» از بزرگان نَجْد می رسد.^۴ حارث را به سبب نجات یافتن از مرگ پس از خوردن گیاه تلخ مُرار، به این نام

۱. المعارف، ص ۱۴۰.

۲. الاصابه، ج ۸، ص ۱۹.

۳. معرفة الصحابه، ج ۲۲، ص ۳۴۵.

۴. الطبقات، ج ۸، ص ۱۴۳.